هو الله - ای يار قديم ای ثابت بر پيمان اگر چه مدّتيست…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۹۸

## **هو الله**

ای يار قديم ای ثابت بر پيمان اگر چه مدّتيست مديد که از کثرت موانع فرصتی نيافتم که بکمال روحانيت بآنجناب نامه نگارم. ولی حقيقت قدم روحی لأحبّائه الفداء واقف و آگاه که دل و جان در نهايت انتباه نفسی بر نيارم مگر آنکه بياد تو افتم و سرور و شادمانی جويم و از حقّ استدعا کنم که ابواب سرور و حبور از هر جهت بگشايد و در جميع احوال تأييد فرمايد تا بعبوديّت آستان مقدّس شريک و سهيم اين سر دفتر سودائيان گردی و انيس و مونس اين سرور شيدائيان باری مقصد اينست که دائماً بياد تو بودم و دمی نياسودم و آنچه تضرّع و زاری بايد ببارگاه قدس نمودم و منتظر نتائج آن مناجات هستم انّ ربّی کريم وهّاب

در خصوص فساد غافلان مرقوم نموده‌ايد الحمد للّه رجع کيدهم فی نحرهم و جعل طائرهم فی عنقهم و سيخرج اللّه لهم کتاباً يلقونه منشوراً و يجعل لؤلؤ الفضل علی رؤوس عباده منثوراً و لا يزيد مواهب ربّک أهل الغرور الّا کبراً و نفوراً حال بايد احبّای الهی در تأسيس بنيان عزّت ابدی بکوشند. يعنی در بين خلق باخلاق حقّ محشور گردند سليم باشند و حليم صادق باشند و امين. خاضع باشند و خاشع، خيرخواه گردند و مهربان. اطاعت حکومت نمايند و حسن الفت با جميع امّت. اگر چنانچه کسی طريق انصاف نپويد و ظلم و اعتساف نمايد نبايد اعتنا نمود بل بمقابل جفا وفا کرد و بتلافی نيش شهد و نوش داد اذيّت را برعايت مقاومت نمود و جهالت را بعلم و فضيلت تقابل کرد. شتم و لطم را بستايش و کتم ستر نمود و ضربت و زخم را بمرهم محبّت معالجه کرد. بجميع اسباب تشبّث نمود که بعون و عنايت حضرت احديّت صداقت و امانترا در حقّ ملک و ملّت ظاهر و آشکارا نمود.

أس اساس سيّئات نادانی و جهالت است. لهذا بايد باسباب بصيرت و دانائی تشبّث نمود و تعليم اخلاق کرد و روشنی بآفاق داد تا در دبستان انسانی تخلّق باخلاق روحانی نمايند و يقين کنند که هيچ جحيم و سعيری بدتر از خلق و خوی سقيم نه و هيچ جهنّم و عذابی کثيف‌ تراز صفات موجب عتاب نيست. تا تربيت بدرجه ئی رسد که قطع حلقوم گواراتر از کذب مشئوم شود، و زخم سيف و سنان آسان‌تر از غضب و بهتان گردد آتش غيرت بر افروزد و خرمن هوا و هوس بسوزد هر يک از ياران الهی رخش باخلاق رحمانی چون مه تابان بدرخشد و نسبتشان بآستان الهی حقيقی گردد نه مجاز. اساس بنيان شود نه طراز ايوان. لهذا بايد مکتب اطفال بنهايت انتظام باشد. تعليم و تعلّم محکم گردد و تهذيب و تعديل اخلاق منتظم شود تا در صغر سن در حقيقت اطفال تأسيس الهی شود و بنيان رحمانی بنياد گردد. اين مسئله تعليم و تهذيب و تعديل و تشويق و تحريص را بسيار مهم شمريد که از اسّ اساس الهی است که بلکه انشاءاللّه از دبستانهای الهی اطفال نورانی باشرف کمالات انسانی مبعوث گردند و سبب نورانيّت ايران بلکه عموم امکان شوند.

تعليم و تهذيب بعد از بلوغ بسيار دشوار شود تجربه شده است که نهايت سعی و کوشش را مينمايند تا خلقی از اخلاق نفسی را تبديل کنند نميشود. اگر اليوم اندکی متنبّه گردد بعد از ايّامی معدود فراموش کند و بر حالتی که معتاد و خوی نموده راجع شود. پس بايد از طفوليّت اين اساس متين را بنهند. زيرا تا شاخ تازه و تر است بکمال سهولت و آسانی مستقيم و راست گردد مقصود اينست که اسّ اساس الهی اخلاق رحمانی است که زينت حقيقت انسانی است. و علم و دانش است که سبب ترقّی عالم بشريّت است در اين قضيّه بايد احبّای الهی نهايت اهمّيّت و غيرترا مبذول دارند.

ديگر آنکه جميع ياران الهی را تکبير ابدع ابهی در کمال اشتياق از قبل عبدالبهاء برسان تعليمات مکتب اطفال مفصّل است و حال فرصت ميسّر نيست. لهذا مختصر جزئی تعليم مرقوم ميگردد اوّل تربيت آداب و تربيت بأخلاق و تعديل صفات و تشويق بر اکتساب کمالات و تحريص بر تمسّک بدين اللّه و ثبوت بر شريعة اللّه و اطاعت و انقياد تام بحکومت عادله و صداقت و امانت بسرير سلطنت حاضره و خير‌خواهی عموم اهل عالم و مهربانی با کلّ امم و تعلّم فنون مفيده و السن اجنبيّه و حسن سلوک و مداومت ادعيه خيريّه در حقّ ملوک و مملوک و اجتناب از قرائت کتب طوائف ماديّه امم طبيعيّه و از حکايات و روايات عشقيّه و تأليفات غراميّه. خلاصه جميع دروس محصور در اکتساب کمالات انسانيّه اين تعاليم تربيت مکتبهاست که مختصر مرقوم ميگردد. و عليکم التحيّة و الثناء ع‌ع

